

بازی نور و تاریکی

و انگشت کوچک را بچسانید به کف دست. چي می بینید؟ یک مرغابی!

● دو دست را به هم بچسانید. دوتا انگشت شست چسبیده به هم را ببرید بالا و انگشت های کوچک را ببرید پایین. حواس تان باشد شش تا انگشت وسطی از هم جدا نشوند. این هم یک اسب چموش.

● دوتا انگشت شست را به هم قلاب کنید طوری که کف دست ها رو به خودتان باشد. از سمت چپ و راست دوتا سایه روی دیوار می افتد که اگر انگشت ها خوب به هم چسبیده باشند، یک کبوتر با حرکت دست های شما آرام آرام شروع به بال زدن می کند.

● خب بگو ببینم می توانی قصه مرغابی و اسب و کبوتر را تعریف کنی؟

دوست من آماده ای امروز یک نمایش و بازی جالب با هم یاد بگیریم؟ روزها نور خورشید و شب ها مهتاب، سایه ای آدم ها و چیزها را می سازند. حالا ما می خواهیم به تقلید از آن ها خودمان سایه بسازیم و یک نمایش هنرمندانه ترتیب بدهیم. چطوری؟

● این بازی، مخصوص شب است. پس باید صبر کنیم هوا تاریک شود و چراغ اتاق را خاموش کنیم.

● بعد باید یک منبع نور کوچک پیدا کنیم؛ یک چراغ مطالعه، آباژور، چراغ قوه یا شمع روشن می کنیم که روی دیوار نور بیندازد.

● خب صحنه ی نمایش آماده است. پس بازیگرها کجا هستند؟ همین جا، دست های شما بازیگر این نمایش اند.

● انگشت شست و اشاره را به هم نزدیک کنید تا یک دایره ایجاد شود. انگشت میانی و حلقه را موازی هم نگه دارید

